

کرد.^{۲۰} در دوره ۱۳۴۲-۵۶ و تحکیم رژیم محمدرضا شاه، بازرگان مباحثات خود را متوجه روحانیون کرد و بر تعبیر اسلامی دموکراتیک و مبتنی بر حاکمیت قانون از حکومت اصرار ورزید. این نگرش برخلاف نظریه روحانیون (و از جمله محمدحسین طباطبائی) بود که بر مفهوم حاکمیت خبرگان تاکید داشتند. با فضای باز سیاسی ۱۳۵۶ بازرگان این مباحثات پلمیک را به ویژه با امام خمینی ادامه داد اما تماس نزدیک خود را با روحانیون حفظ کرد. دولت موقت نه ماهه بازرگان نقطه اوج این جریان بود و در این دوره دو طرف با هم درگیر شدند و اصرار بازرگان بر دولت دموکراتیک و مبتنی بر حاکمیت قانون مغلوب حمایت روحانیون از نظریه رهبری خبرگان شد. در تمامی دوران حاکمیت جمهوری اسلامی بازرگان به تلاشهایش برای رد نظریه ولایت مطلقه فقیه (آنگونه که توسط (امام) خمینی مطرح می شد) و تبلیغ نظریه لیبرال خود ادامه داد.^{۲۱}

قانون طبیعی

نکته مهمی که بازرگان در شرح ساختار ایدئولوژی اسلامی خود مطرح می کند قانون طبیعی است.^{۲۲} طبق این اصل فرض می شود که طبیعت از قوانینی پیروی می کند که خداوند آن را وضع کرده است و تسلیم شدن به این قوانین عین مفهوم اسلام (تسلیم) است. اولین نقش سیاسی این استدلال نفی حاکمیت خودکامه است که خود را فراتر از قانون قرار می دهد. بازرگان از طریق یک روند طولانی به نظریه قانون طبیعی رسید: وی در دهه ۱۳۳۰ نظریه تکامل دینی و وجود قوانین مکانیکی جامعه را مطرح کرد. در دهه ۱۳۴۰ و تحت تأثیر کتابی از جی. اچ. سباین،^{۲۳}

۲۰- برای این گفتگوها رجوع کنید به: بعثی درباره مرجعیت و روحانیت (شرکت انتشار، تهران، ۱۳۴۱).

۲۱- برای مثال رجوع کنید به: پادشاهی خدا، (۱۳۶۷).

۲۲- برای مثال رجوع کنید به: بعثت و ایدئولوژی، صص ۹۵ الی ۱۰۶.

۲۳- ج. اچ. سباین و تی. ال. تورسون: تاریخ نظریات سیاسی (انتشارات درایدن، هینسیدل، ایلینوی، ۱۳۵۲).

دانشمند آمریکایی علوم سیاسی، نظریات خود را گسترش داد و نظریه عام‌تر قانون طبیعی را به عنوان زیربنای ساختار ایدئولوژیک خود مطرح کرد. در شرح آنچه که قانون طبیعی و گاهگاهی واقعیت می‌نامد، می‌پذیرد که مهم‌ترین اصل ایدئولوژی وی دقیقاً همان است که در قرن هفدهم توسط اروپاییان مطرح شده و «زیربنای همه ایدئولوژی‌ها» را تشکیل می‌دهد.^{۲۴} بر مبنای این مفهوم که جهان توسط قوانینی کنترل می‌شود، بازرگان تاکید می‌کند که حاکمیت غایی نه از آن طبیعت بلکه از آن خداوند است. ادامه می‌دهد که اگر قوانینی بر طبیعت حکومت می‌کنند وجود یک قانون‌گذار و ناظم اول ضروری است و اگر این موضوع را بپذیریم لازمه آن احترام به قوانین وحی شده از سوی خداوند است. زیرا رعایت قوانین الهی به معنای هماهنگی با جهان آفرینش و استفاده از منابع طبیعی است. به عبارت دیگر بازرگان بر این مبنا که خداوند جهان طبیعی و از جمله قوانین مربوط به انسان را آفریده است، قوانین مذهبی را همان قوانین طبیعت تلقی می‌کند. بازرگان معنای واقعی اسلام (تسلیم شدن) را در این نکته می‌داند. تسلیم در مقابل اسلام عین تسلیم به قوانین طبیعت و پذیرش قوانین طبیعت همان پرستش الهی است. پس پذیرش قوانین الهی دقیقاً همان واقعگرایی است.

یادآوری این نکته جالب است که از نظر سیاسی، نظریه قانون‌گذار الهی مثل یک شمشیر دو لبه عمل می‌کند. از یک سو، حق حاکم را در پیروی از امیال خود و تعیین قوانین محدود می‌کند. اما از سوی دیگر حق مردم را در تعیین سرنوشت خود انکار می‌نماید. اهمیت این تناقض در سالهای بعد و زمانی روشن شد که روحانیون حق تفسیر قوانین الهی و در نتیجه حق حکومت کردن را در انحصار خود درآوردند. البته این حقیقت را نباید نادیده گرفت که در فلسفه مذهبی قرون وسطای اسلامی سنت نوشتن قوانین مذهبی (شریعت) از جمله پذیرفته‌ترین و گسترده‌ترین سنن بوده است. اما بازرگان هرگز شریعت را به عنوان بیان واقعی دین

تلقی نکرد و در واقع نسبت به توسعه بیش از اندازه شریعت و فقه به شدت انتقاد کرده است.^{۲۵}

وجدان حرفه‌ای در اسلام

بازرگان در فعالیت خود به عنوان یک نظریه‌پرداز سیاسی، فکر وجدان حرفه‌ای در اسلام را در نوشته‌های اولیه خود به شکل‌ها و اصطلاحات متعدد توضیح داده و در سالهای بعد بر آن تاکید کرده است. مطالعه آثار بازرگان در دهه ۱۳۲۰ نشان‌دهنده توجه وی به مسأله عقب‌ماندگی عمومی کشور است. بازرگان علت این مسأله را در فرهنگ عمومی می‌دانست.^{۲۶} وی عقیده داشت که ریشه‌های این مسأله را باید در فقدان وجدان نوین کار در سطح ملی جستجو کرد و اگر این خصیصه تغییر کند، تغییر لازم برای دستیابی به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی حاصل می‌شود. بازرگان برای ایجاد این تغییر لازم، نظام اخلاقی نوین کار را با عقاید اسلامی ارتباط داد و گفت وجدان حرفه‌ای از ویژگی‌های اساسی دین اسلام است. وی امیدوار بود که این کار در جامعه عقب‌مانده ایران از طریق ایجاد ضوابط نوین کار، بسیج نیروی تولید را تقویت کند.

استدلال بازرگان در این جا دو وجه دارد. وی عقیده دارد کار در تعیین جهت و محتوای تکامل انسان نقش اصلی را بر عهده دارد و می‌افزاید که در دیدگاه اسلامی کار عاملی اساسی است که انسان از طریق آن رفاه مادی و معنوی خود را فراهم می‌آورد. استدلال یاد شده از این نظر حائز اهمیت است که مفهوم «کار» متأثر از مارکسیسم تاریخی را در کنار مفهوم «عمل» از نظر اسلام قرار می‌دهد. بازرگان این استدلال را با اصطلاحاتی مبهم که در آن مداوماً از نظریه مارکسیستی «کار» به نظریه اسلامی «عمل» تغییر موضع می‌دهد، دنبال می‌کند. به عبارت دیگر اصطلاحات به

۲۵- رجوع کنید به، مهدی بازرگان، سرچشمه استقلال، در کتاب سر عقب افتادگی ملل مسلمان، (مرکز نشر کتاب، هوستون، ۱۳۵۵).

۲۶- رجوع کنید به: کار در اسلام.

شیوه‌ای دلخواه و بدون آن که به متن اصلی آنها اشاره شود مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب بازرگان یک دیدگاه ناقص مارکسیستی پیشنهاد می‌کند که طبق آن کار شیوه تولید را شکل می‌دهد و شیوه تولید به نوبه خود شکل سازمان اجتماعی را می‌سازد. در اینجا برای ایمان الهی یا دینداری شخص مومن، جایگاهی پیش‌بینی نشده است. با وجود این بازرگان بعد از نظریه یاد شده این مفهوم را که «عمل» انسان مشخص‌کننده سرنوشت ابدی وی است، مطرح می‌کند. بازرگان ظاهراً امیدوار است این نظریه را ثابت کند که کار هم عامل تعیین‌کننده سرنوشت ابدی معنوی فرد و هم سرنوشت اجتماعی وی است.

آزادی انسان و دموکراسی

فکر آزادی انسان عنصری اساسی در ایدئولوژی اسلامی بازرگان است. وی اولین بار در دهه ۱۳۲۰ و بعداً در اواخر دهه ۱۳۴۰ و زمانی که در رقابت با ایدئولوژی‌های رقیب به ساختن ایدئولوژی خود پرداخت، مسأله آزادی انسان را با شرح و تفصیل بیشتری مطرح کرد.^{۲۷} بعد از انقلاب اسلامی، بازرگان برای دفاع از فکر آزادی انسان، کم و بیش به همین موضوعات متوسل شد. با وجود این یادآوری این نکته جالب است که در تمام این دوران و از نظر شکل زبان، گرایشی به استفاده هرچه بیشتر از نمادها و اصطلاحات مذهبی وجود دارد. استدلال‌های بازرگان در دفاع از آزادی انسان و نتیجتاً ضرورت حکومت دموکراتیک اساساً خطاب به دو گروه متفاوت و متشکل از دو نوع بحث و مجادله بود. گروه اول موضع سلطنت‌طلبان غیرمذهبی تجددطلب طرفدار حکومت استبدادی بود که بازرگان در دوران حکومت محمدرضا شاه با آنان به مبارزه برخاست.^{۲۸} موضع دوم افکار طرفداران حکومت مطلقه بود که

۲۷- رجوع کنید به: مدافعات و بحث و ایدئولوژی.

۲۸- برای مروری بر تاریخ نظریه سلطنت مطلقه در ایران رجوع کنید به س. ج. طباطبایی:

قبل و بعد از انقلاب اسلامی توسط افرادی در درون جامعه مذهبی مطرح می‌شد.^{۲۹}

استدلال‌های بازرگان در مورد آزادی انسان اساساً مذهبی است. مایه اصلی استدلال وی از داستان آفرینش انسان در قرآن سرچشمه می‌گیرد. «زمانی که فرشتگان آسمان از نیت خداوند برای ایجاد جانشینی بر زمین آگاه شدند، نسبت به آفرینش کسی که در زمین شر ایجاد خواهد کرد و خون خواهد ریخت اعتراض کردند. اما خداوند طبیعت همه اشیاء را بر آدم آموخت و وی را بالاتر از فرشتگان قرار داد. ابلیس از شناسایی برتری آدم سرباز زد و با وسوسه وی را از باغ بهشت بیرون راند.»^{۳۰} بازرگان این داستان را بدین‌گونه تفسیر می‌کند که به انسان آگاه، آزادی انتخاب (اختیار) داده شده تا بین وسوسه‌های شیطان و رحمت الهی به میل خود یکی را برگزیند. نتیجه می‌گیرد که آزادی بنیاد اصلی زندگی و پیشرفت انسان است. این آزادی است که انسان را به موجودی آگاه، هوشمند و خلاق مبدل می‌سازد.^{۳۱} آزادی انتخاب برای انسان یا اختیار، در فلسفه سنتی اسلام همواره موضوع بحث بوده اما بازرگان موضوع را گسترش می‌دهد و با تفسیر این اصل تا به آنجا که مردم حق دارند از طریق انتخاب بر نهادهای حکومتی اعمال قدرت کنند، راه خود را از مفسرین سنتی جدا می‌کند.

بازرگان در تایید نظریه خود به دوران طلایی اسلام و شیوه حکومت در دوران پیامبر و خلفای اولیه اشاره می‌کند. به عقیده وی حکومت در این دوران «دمکراتیک» بود زیرا پیامبر و خلفای اولیه طبق خواسته‌های

→ درآمدی فلسفی بر تاریخ تفکر سیاسی در ایران (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۶۷).

۲۹- در دهه ۱۹۶۰ افرادی مثل علامه سید محمدحسین طباطبایی از این موضع دفاع کردند. بعداً آیت‌الله خمینی در دهه ۱۳۶۰ با نظریه ولایت مطلقه فقیه از این موضع دفاع کردند.

۳۰- قرآن مجید، سوره دوم، آیات ۳۰ الی ۳۶.

۳۱- بازرگان، بعثت و ایدئولوژی، صص ۱۳۰ الی ۱۳۲.

مردم حکومت می‌کردند و به مردم اجازه انتقاد می‌دادند و امنیت را برای همه تامین می‌کردند. بازرگان همچنین از چندین مفهوم قرآنی و مهمتر از همه از مفهوم شورا^{۳۲} استفاده می‌کند تا ثابت کند که امور جامعه باید از طریق مشورت بین اعضای آن انجام گیرد.

در نتیجه از دیدگاه بازرگان حکومت به معنای قیمومت اموال و امور مردم است که این قیمومت را مردم به عنوان امانت در اختیار حکومت قرار می‌دهند.^{۳۳} با وجود این حکومت نمی‌تواند بیان مطلق خواسته مردم باشد زیرا ناچار است در محدوده قوانین طبیعی عمل کند. در نتیجه مفهوم و درک بازرگان از آزادی مثبت است. توضیح این که بازرگان آزادی را به عنوان آزادی عمل نامحدود فرد و فقدان هرگونه مخالفت با وی نمی‌بیند بلکه درک وی از آزادی خلق مثبت یک محیط اجتماعی است که در آن فرد تحت حفاظت قانون می‌تواند طبیعت واقعی و صحیح خود را به منصفه ظهور برساند.^{۳۴}

نظر بازرگان در مورد حکومت دموکراتیک ساده است؛ حکومتی که از طریق انتخابات مردمی انتخاب شود. در مقابل نیازهای مردم مسؤل و در قبال مردم پاسخگو باشد و در چارچوب قوانین طبیعی آنگونه که خداوند معین کرده عمل کند. بهترین استدلال‌های بازرگان در دفاع اساسی وی از این نظریه در اوایل دهه ۴۰ (در مقابل حکومت استبدادی شاه) و در اواسط دهه ۶۰ در مقابل نظریه ولایت مطلقه فقیه ابراز شده است.^{۳۵} در هر دو مورد بازرگان به چندین استدلال متوسل می‌شود که می‌توان آنها را به طریق زیر دسته‌بندی کرد؛ محکومیت استبداد به عنوان منشاء بی‌ثباتی اجتماعی، استبداد به عنوان منبع فساد

۳۲- قرآن کریم، سوره ۳، آیه ۱۵۳- سوره ۴۲، آیه ۳۸.

۳۳- بازرگان، بعثت و ایدئولوژی ص ۱۱۶.

۳۴- بحث در مورد آزادی مثبت در مقابل آزادی منفی آنگونه که در برلین، دو مفهوم تاریخ در کتاب چهار مقاله در مورد آزادی بیان شده (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۵۸) صفحات ۱۱۸ الی ۱۷۲.

۳۵- نگاه کنید به: مدافعات، انقلاب در دو حرکت و بازیابی ارزش‌ها، فصل‌های ۱، ۲ و ۴.

اخلاقی، استبداد به عنوان طرد دین واقعی، استبداد به عنوان علت عقب‌ماندگی و استبداد به عنوان منبع فساد اخلاقی، استبداد به عنوان طرد دین واقعی، استبداد به عنوان علت عقب‌ماندگی و استبداد به عنوان نفی نهادهای تاریخی تمدن اجتماعی. در حالی که بعضی از این استدلال‌ها محتوایی غیرمذهبی دارند (مثل استبداد به عنوان منبع بی‌ثباتی تاریخی و سیاسی) ولی تمام آنها به زبانی مذهبی ارائه می‌شوند. این گرایش بعد از انقلاب اسلامی و در مجادله با نظر حاکم روحانیون تقویت شد. ما، در اینجا به بعضی از این استدلال‌ها اشاره می‌کنیم: در بیان این مطلب که استبداد اگر نه تنها علت، حداقل یکی از علت‌های گسستگی اجتماعی و تاریخی است، بازرگان این استدلال را مطرح می‌کند که استبداد مفید نیست زیرا بین حکومت‌کننده‌ها و حکومت‌شونده‌ها شکاف ایجاد می‌کند و باعث تضعیف حکومت و نهایتاً انهدام آن می‌شود. در اینجا بازرگان یک مفهوم ساده ادواری از تاریخ ارائه می‌دهد که در آن استبداد ریشه حرکت به سوی سقوط است. بازرگان این نظریه را هنگامی مطرح کرد که در سطح بین‌المللی جناح لیبرال حزب دمکرات آمریکا در دولت کندی این نظریه را تبلیغ می‌کرد که رژیم‌های جهان سوم باید آزادیهای سیاسی بیشتری بدهند تا پایگاه اجتماعی وسیع‌تری به دست آورند و در نتیجه در مقابل تهدید کمونیستها ثبات بیشتری داشته باشند.

بازرگان معتقد است بزرگترین صدمه استبداد، صدمه معنوی است زیرا حکومت خودکامه اخلاقیات فرد را از بین می‌برد. حاکم مستبد چاره‌ای ندارد جز این که برای توجیه حکومت خود به حيله و به ویژه به اختیارات الهی متوسل شود. در اینجا فرد یا قربانی ناآگاه دروغگویی می‌شود و یا بدتر از آن برای امنیت جان و مال خود فریب را می‌پذیرد. زمانی که فرد قربانی استبداد شد، آنگاه به تحقیر، از دست دادن عزت نفس، مشارکت در فریب و تنزل به صفات حیوانی تن در می‌دهد. استدلال‌های بازرگان مشابه استدلال‌هایی است که شیخ محمدحسین نائینی (وفات ۱۳۱۵) در دوران مشروطیت مطرح

می‌کرد.^{۳۶} نائینی استبداد را به عنوان روش خودسرانه حاکم، بدون در نظر گرفتن مصالح دیگران و رفتار با کشور مثل ملک شخصی توصیف می‌کند و می‌گوید حاکم مستبد برای توجیه حکومت مطلقه خود، صفات خداوند را به خود نسبت می‌دهد.^{۳۷} بازرگان این استدلال را مکرراً دنبال کرده است. مثلاً بعد از انقلاب اسلامی اصرار دارد که «پادشاهی مطلق» فقط می‌تواند متعلق به خداوند باشد و قدرت الهی فقط به روحانیون تفویض نشده بلکه به تمام مردم تعلق دارد.^{۳۸} در نتیجه از دیدگاه بازرگان، انسان آزاد زاده می‌شود و این توانایی را دارد که برای تعیین سرنوشت معنوی خود، بین حق و باطل یکی را انتخاب کند. سلب این حق از انسان با تحمیل یک حکومت خودکامه، درست همان نفی صفات الهی وی و در نتیجه نفی دین اسلام است.

هویت اجتماعی

موضوع هویت اجتماعی - ملی، کانون مهمی از مباحثات ایران معاصر بوده است. تمرکز قدرت در شکل امروزی دولت و در نتیجه تضعیف مفاهیم سنتی هویت اجتماعی (محلی، قبیله‌ای، منطقه‌ای، مذهبی و غیره) منجر به ظهور بینش‌های جدید اجتماعی درباره هویت انسانی و به دنبال آن رقابت برای بسط این بینش‌ها شد. در بخش اعظم دوره معاصر، تجدیدطلب‌ها با شعار میهن‌پرستی در تعیین شکل و محتوای هویت اجتماعی حرف اول را زده‌اند، که به نوبه خود نقطه اوج دیگری از رقابت تاریخی بین نظریات «آرمان‌گرایانه» مذهبی در مورد سازمان اجتماعی (یعنی خلافت) و نظریات «واقع‌گرایانه» سلطنت استبدادی است.^{۳۹} متفکران اسلامی در واکنش علیه سلطه نظریات سلطنت‌طلبانه (که در

۳۶- م. م. ح. نائینی، *تنبیه الآمه و تنزیه العله: یا حکومت از نظر اسلام*، (شرکت انتشار، ۱۳۳۴).

۳۷- برای مطالعه مفصل در این مورد رجوع کنید به حائری، *شیعه و حکومت قانون*.

۳۸- م. بازرگان، *پادشاهی خدا*، (۱۳۶۷).

۳۹- نگاه کنید به طباطبائی، *درآمدی فلسفی*.

قرن بیستم محتوایی غیرمذهبی و ضداسلامی داشت) هویت اسلامی اجتماعی را مطرح کردند.

افکاربازرگان در مورد هویت اجتماعی سنگ بنای نظریات وی دربارهٔ فعالیت سیاسی است جزوهٔ مبارزهٔ مذهبی، مبارزهٔ سیاسی^{۴۰} تصویری بالنسبه کامل ارائه می‌دهد از فکر او دربارهٔ آگاهی اجتماعی مذهبی و هویت اسلامی به مثابه یک ایدئولوژی که می‌تواند توده‌های مردم را جلب کند. بازرگان در این جزوه اساساً عقیده دارد در حالی که هویت «ایرانی ملی» مردم مفهومی نسبتاً تازه است، هویت «مذهبی اسلامی» آنها تاریخی و فراگیر است. به علاوه برای بسیج سیاسی مردم، استفاده از این عامل مذهبی به عنوان مبنای ساختار ایدئولوژیک ضروری است.

بازرگان عقیده دارد که هویت ملی (غیرمذهبی) حدوداً زمان انقلاب مشروطیت و در نتیجه تماس با اروپاییان ظهور کرد که تقلیدی سطحی از مفاهیم غربی (ناسیونالیسم) بود و نتوانست در فرهنگ مردم عمیقاً نفوذ کند.^{۴۱} بازرگان تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید اشارات تاریخی به هویت ایرانی، حتی در شاهنامه اثر فردوسی (وفات ۳۹۹) شاعر حماسه‌سرای ایران، چیزی جز افسانه نیست. بازرگان یادآور می‌شود که مردم ایران تمایل دارند خود را اول مسلمان و بعد «ایرانی» ببینند و این هویت مذهبی از بعد تاریخی و اجتماعی جامع است.

این نظریه بازرگان با اشارات وی دربارهٔ دمکراسی نسبتاً هماهنگی دارد زیرا فرض را بر این می‌گذارد که آگاهی مردم نسبت به خود (به عنوان مسلمان)، گرایش به دمکراسی و وحدت ملی را (در مقابل استبداد سیاسی و عقب‌ماندگی) تقویت می‌کند. به عبارت دیگر مباحثات بازرگان مقابله با هیات حاکمه و نظریه غیراسلامی آن در مورد هویت اجتماعی ایران است. بازرگان درصدد است تا از دین یک زیربنای ضروری برای

۴۰- این جزوه امضا ندارد اما معلوم است که توسط بازرگان نوشته شده است. مبارزه مذهبی، مبارزه سیاسی (۱۳۶۰).

۴۱- بازرگان، مبارزه مذهبی، مبارزه سیاسی، صفحات ۱۳ الی ۱۶.

هویت اجتماعی بسازد و به وسیله آن تفسیر خود را از تحول تاریخی، با تفسیر هیات حاکمه متجدد و مستبد متمایز کند. به عبارت دیگر مسأله مقابله یک گروه و مورد خطاب قرار دادن و جذب گروهی دیگر علیه هیات حاکمه تجدیدطلب غیرمذهبی بود که بازرگان را به سمت این نظریه سوق داد. بسیج مردم هدف اساسی هر گروه سیاسی است و بازرگان که می‌خواست به این بسیج دست یابد عقیده داشت که باید در درون زبان، فرهنگ و منطق مردم عمل کند.

کمونیسم

از جنگ جهانی دوم، مارکسیسم و سوسیالیسم تأثیر در خور توجهی بر تحول تفکر سیاسی در ایران گذاشت، هر چند که این تأثیر گاهگاهی غیرمستقیم و پوشیده بوده است. در واقع تمامی مکاتب فکری ایران معاصر تا حدی نشان از تأثیرپذیری از سوسیالیسم دارند. حکومت پهلوی در برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی خود تحت تأثیر افکار سوسیالیستی بود. مکاتب اسلامی افکار جدید مساوات‌طلبی اجتماعی را به کار برده‌اند و ملیون از ادبیات ضدامپریالیستی سوسیالیست‌ها استفاده زیادی کرده‌اند و تقریباً تمامی نویسندگان سیاسی به نحوی نسبت به خط فکری سوسیالیستی - مارکسیستی واکنش نشان داده‌اند.^{۴۲}

نگرانی عمومی بازرگان در مقابل مارکسیست‌ها، عمدتاً «خطر پیشرفت» ایدئولوژی کمونیستی بود. مباحثش با آنها در دو مورد از اهمیت بیشتری برخوردار است: دوره اول در دهه ۱۳۲۰ و زمانی که حزب توده به سرعت در حال گسترش بود و دوره دوم در اواسط دهه ۱۳۵۰ و موقعی که انشعاب در سازمان مجاهدین خلق منجر به سرنگونی رهبری اسلامی و ظهور یک کادر مرکزی مارکسیست در این سازمان شد.

۴۲- در مورد آثار بازرگان درباره کمونیسم نگاه کنید به مدافعات؛ کار در اسلام و به ویژه علمی بودن مارکسیسم (گفته می‌شود کتاب اخیر یا همکاری سحابی نوشته شده است) همچنین کتاب بررسی نظریه فروم (شرکت انتشار، تهران، ۱۳۵۵).

در دوره اول تجربیات نزدیک بازرگان با حزب کمونیست توده در محیط دانشگاهی بود که وی در آنجا به عنوان استاد و بعداً رئیس دانشکده فنی شاهد اشاعه سریع افکار کمونیستی بود. واکنش او در مقابل پیشرفت کمونیستها خاص خودش است. یعنی مستقیماً از مارکسیستها انتقاد نمی‌کرد و در مسایل سیاسی روزمره هم درگیر نمی‌شد. در عوض تلاش را معطوف به ایجاد یک بحث و گفتگو و حتی ایجاد یک چارچوب فکری در مقابل افکار کمونیستی کرد. هدفش آوردن رقیبی به صحنه فکری بود تا از جاذبه ایدئولوژی چپ بکاهد.

در این زمان درک بازرگان از مارکسیسم عوامانه بود و وی اطلاعات تخصصی در این زمینه نداشت. مطالعاتش به منابع دست دوم و از جمله کتابهای تقی ارانی و چند مقاله فرانسوی محدود می‌شد. محدودیت منابع در این زمینه (مثل زمینه‌های دیگر) نباید باعث تعجب شود. باید در نظر گرفت که ترجمه منظم فارسی کتابهای مارکس به ندرت صورت می‌گرفت و فقط در اواخر دهه ۱۳۱۰ شروع شد. برای مثال بخش‌هایی از کتاب کاپیتال مارکس اول بار توسط گروه ۵۳ نفر ارانی در زندان ترجمه شد.^{۴۳} بازرگان برای رقابت با کمونیستها بر سه نکته تاکید می‌کرد: اول این که کار باید تنها معیار توزیع ارزش افزوده باشد اما مالکیت وسایل تولید را نباید مبنای استثمار دانست. دوم، تغییرات اجتماعی نه از طریق تحولات انقلابی بلکه از طریق تغییرات و اصلاحات ملایم به دست می‌آید و سوم این که برخلاف ادعای کمونیستها، اتحاد شوروی بر مبنای یک ساختار اقتصادی استثمارگرانه استوار است.

اشاره به این نکته جالب است که بازرگان در تلاش‌های خود برای «تضعیف تدریجی» نفوذ کمونیستها، عملاً به عنوان یک ابزار از افکار مارکسیستی و سوسیالیستی و از جمله تاریخگرایی مارکسیستی و افکار مربوط به کار استفاده کرد تا یک ساختار مشابه با آنها ایجاد کند. به عبارت دیگر برای مبارزه با مارکسیسم از آن سود می‌برد. از جمله این که از

۴۳- انور خامه‌ای، مصاحبه، لندن، ۱۳۷۰.

اصطلاحات مارکسیستی برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌کرد و بعضی از اصطلاحات آنها را برای ارائه تحلیل تاریخی اقتباس می‌کرد. در جریان این کار هم تا حدی تحت تاثیر مباحثات آنها و به ویژه افکار مربوط به تکامل و کار قرار گرفت. آشکار است که احتمالاً از این مسأله آگاهی نداشت که در درون اصطلاحاتی که اقتباس می‌کرد منطقی نهفته است که علیرغم میل شخصی به سمت خاصی جهت‌گیری می‌کند. به عبارت دیگر بازرگان در روند مبارزه با مارکسیستها از طریق استفاده از اصطلاحات آنها، بعضی افکار مارکسیستی را وارد نظام فکری خود کرد. گرچه توجه بازرگان نسبت به مسأله کمونیسم در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ کاهش یافت، اما می‌توان وجود این موضوع را در حواشی آثارش آشکار کرد. بسیاری از آثار تجدیدنظر شده وی که در دهه ۱۳۴۰ منتشر شدند شاهدهی بر این واقعیت است. مسأله مارکسیسم به ویژه در اوایل دهه ۱۳۵۰ حاد شد. در این زمان انشعاب و «کودتا» در سازمان مجاهدین خلق که تا آن زمان مدعی ایدئولوژی اسلام انقلابی بود «پوسته خرده بورژوازی سازمان را کنار زد» و به مارکسیسم - لنینیسم پیوست. بازرگان در واکنش به این وضعیت و طی یک سال دو کتاب نوشت: علمی بودن مارکسیسم و بررسی نظریه اریش فروم. این دو کتاب به وضوح به قصد رد ساختارهای ایدئولوژیک مارکسیسم و نئومارکسیسم و محدود کردن نفوذ آنها بین روشنفکران ایران و به ویژه نسل جوان نوشته شده است. بازرگان در هر دو کتاب به این نتیجه می‌رسد که تضادهای درونی این ایدئولوژی منجر به رد آن (و در نتیجه اعتراف به حقایق مذهبی) می‌شود.

اخلاقیات

قضیه تجدد (مدرنیسم) در ایران پیچیده و ضد و نقیض است. به طور کلی تجدد را می‌توان به معنای روند تحولات چند قرن دانست که طی آن جوامع مختلف در چهار گوشه جهان به سوی زندگی اقتصادی تجارتری روی آورده‌اند، نوآوری‌های تکنولوژیک را افزایش داده‌اند، بیشتر

شهرنشین شده‌اند، دولت‌های متمرکز ایجاد کرده‌اند و در این روند تعهد بی‌چون و چرا به عادات اجتماعی از جمله ایمان مذهبی را ترک کرده‌اند.^{۴۴}

ما قبلاً اشاره کردیم که در بخش اعظم قرن جاری، تجددطلبی ساختار ایدئولوژیک مسلط در جامعه ایران بوده است. تجددطلبی در ایران به چند نکته اساسی توجه داشته است که پیش از همه موضوع پیشرفت و تحول در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بوده اما توجه چندانی به حوزه سیاسی نداشته است. به علاوه تجدد متوجه این نکته بود که هویت اجتماعی لازم را برای شرایط لازم سیاسی فراهم کند و تلاش همه جانبه را به سمت ایجاد یک حکومت متمرکز ادامه دهد. این هویت به دیدگاهی احساساتی در قبال امپراطوری‌های ایران باستان، نژاد آریایی و برتری قوم ایرانی متکی بود.^{۴۵} هویت یاد شده در مخالفت با سنت و آنچه که «کهنه پرستی» می‌نامید، یک دیدگاه محکم نیمه غیرمذهبی و ضداسلامی را دنبال می‌کرد.

بازرگان در مورد بعضی از عناصر اساسی تجددطلبی نظریات خاص خود را داشت. به خصوص مانند بسیاری از دیگر اندیشمندان ایران متوجه فکر پیشرفت و تکامل اجتماعی بود و این علاقه تا به آن حد پیش رفت که وی حتی دین را از بعد تکامل تاریخی مورد نظر قرار داد. هویت اجتماعی را هم بیشتر «مذهبی» تا «ایرانی» می‌دانست. اما واکنش بازرگان به خط فکری تجددطلبی به خاطر ویژگی غیرمذهبی آن بود. وی در واکنش به هجوم غیرمذهبی تجددطلبی به منظور ساختن یک خط دفاعی در برابر آن استدلال‌های مختلفی را ارائه کرد. این استدلالها متنوع است و چگونگی بیان آنها در زمانهای مختلف متفاوت

44- Jay, J. "Nationalism in Eccleshall, R. *Political Ideologies* (Hutchinson, London, 1985).

۴۵- برای بحث در مورد عنصر رمانتیک در اندیشه ناسیونالیسم از جمله رجوع کنید به ح. کاتوزیان: صادق هدایت: زندگی و افسانه یک نویسنده ایرانی (آی. بی. توربس، لندن، ۱۹۹۲، ترجمه فارسی: ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، ۱۳۷).

است.^{۴۶} اما موضوعی که بیشتر تکرار می‌شود ضرورت اخلاقیات برای همبستگی و پیشرفت اجتماعی است. یعنی بازرگان معتقد است که دین زیربنای اخلاقیات فردی و اجتماعی است و بدون آن سقوط اخلاقی پیش می‌آید. نظریه بازرگان اساساً بر نظریات سنتی اخلاقیات مذهبی متکی است (و بین دین، اسلام، تشیع، جامعه مومنان و جامعه روحانیت احتمالاً به دلیل یکپارچگی جامعه سنتی فرقی قائل نیست) در عین حال در بسط مفاهیم جدیدی در بدنه اخلاقیات مذهبی دست به نوآوری می‌زند.^{۴۷}

یک نکته حائز اهمیت و شاید طنزآمیز این است که استدلالهای بازرگان در دفاع از آنچه که اخلاق‌گرایی می‌نامد (در مخالفت با غیرمذهبی بودن یا سکولاریسم) در خود یک ویژگی واضح از نوگرایی در بر دارد زیرا ضمن حمایت از پیشرفت اجتماعی به سمت آن در حرکت است. به عبارت دیگر بازرگان تلاش می‌کند ثابت کند بدون دین (که ظاهراً وی معتقد است در ذات خود دارای ساختار اخلاق اجتماعی است) دستیابی به پیشرفت اجتماعی و نوسازی اگر غیرممکن نباشد، دشوار است. استدلال یاد شده ممکن است مایه سردرگمی شود زیرا معلوم نیست بازرگان از اسلام برای تقویت پیشرفت اجتماعی بهره می‌گیرد یا تلاش دارد جناحهای متجدد جامعه را به اسلام جلب کند. اما مساله قابل حل است اگر توجه کنیم که وی وجود اخلاقیات اجتماعی مذهبی را با پیشرفت اجتماعی یکسان می‌داند و پس هیچیک از این دو مورد را برای رسیدن به دیگری مورد استفاده قرار نمی‌دهد و به عبارت دیگر ابزارگرا نیست. و در این چارچوب است که بازرگان رمز پیشرفت

۴۶- این استدلالها تقریباً در همه کتابهای بازرگان وجود دارد. برای یک نمونه اولیه رجوع کنید به ضریب تبادل میان مادیات و معنویات (در کتاب دین در اروپا، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۲۴) برای یک نمونه جدیدتر رجوع کنید به *بازیابی ارزش‌ها* (۱۳۶۰).

۴۷- برای مثال بازرگان سلسله مراتبی از آرمانهای فطری انسان می‌سازد که از بقا و تولید مثل آغاز می‌شود و به عشق به کودک و علاقه به نوع دوستی و احترام به نیکی و سرانجام ستایش خداوند می‌رسد.

اروپای جدید را در ارزشهای اجتماعی که از نظر وی همان اخلاقیات متعالی مسیحیت است می بیند.^{۴۸}

اصلاح دولت

از اوایل دهه ۱۳۲۰ فعالیت سیاسی بازرگان محدود به نوشته‌های نظری و چند مسوولیت تشکیلاتی بود. اما زمانی که به عنوان اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی منصوب شد این فرصت را پیدا کرد تا نظرات خود را به واقعیت‌های ملموس تبدیل کند. استراتژی بازرگان در زمان نخست‌وزیری تصویری از تفکر کلاسیک آزادیخواهانه (لیبرال) بود. وی از یک سو تلاش می‌کرد دخالت حکومت را در جامعه محدود کند و از سوی دیگر امیدوار بود به فعالیت‌های حکومت از طریق اصلاحات اداری نظم دهد.^{۴۹} برای دستیابی به این اهداف، بازرگان ناچار بود با میراث رژیم گذشته که به صورت دستگاه عظیم اداری - نظامی باقی مانده بود مقابله کند. وی در عین حال مجبور بود با عناصر افراطی راست و چپ که مدعی حق به دست گرفتن انحصاری قدرت بودند و برای رسیدن به این اهداف اراده سیاسی داشتند، مقابله کند.

عناصر اساسی استراتژی بازرگان در دوران دولت موقت شامل: (۱) محدود کردن ساختار بوروکراسی و (۲) تنظیم آن به نحوی بود که فعالیت‌های دولت با قانون اساسی موجود و یا قانون اساسی در حال تدوین هماهنگی داشته باشد. هدف وی بر این بینش استوار بود که استبداد سیاسی اساساً باعث می‌شود که جامعه طبیعی نتواند درست کار کند. از نظر بازرگان جامعه در شکل طبیعی آن در صورتی که به حال خود رها شود و دولت صرفاً به عنوان تنظیم‌کننده و داور بین بخش‌های

۴۸- بازرگان، دفاعیات، صفحه ۶۳.

۴۹- در مورد محدود کردن دولت نگاه کنید به شورای انقلاب و دولت موقت، صفحه‌های

۲۴، ۱۲۴، ۱۸۶، ۲۰۰ و برای اصلاحات اداری نگاه کنید به صفحه ۱۸۹ و صفحات ۱۹۰

الی ۱۹۳.

مختلف عمل کند، بهترین حالت زندگی اجتماعی را عرضه می‌کند. بازرگان عقیده داشت که در ایران معاصر دولت بر زندگی اجتماعی مسلط شده و خود را بر تمام حوزه‌های اجتماعی تحمیل کرده است.

بازرگان در دوران نه ماهه دولت خود مکرراً تلاش کرد از طریق سخنرانی‌های خود این افکار را بیان کند و بر ضرورت کاهش اندازه بوروکراسی و قدرت دولت تاکید می‌کرد. بازرگان به زبان لیبرالیسم کلاسیک که در آن فعالیت‌های بازار آزاد و بخش خصوصی به عنوان شرایط لازم برای تضمین حقوق فرد تلقی می‌شود، از بخش خصوصی دفاع می‌کرد و دخالت دولت را در امور اقتصادی به عنوان توطئه‌ای توسط دولت برای تحمیل خود بر جامعه محکوم می‌نمود. از نظر بازرگان حکومت و دولتی که کمترین دخالت را در امور داشته باشد دولت خوبی محسوب می‌شود و چنین شرایطی، شرایط طبیعی برای زندگی و فعالیت‌های انسان است. بازرگان عقیده داشت نقش یک حکومت خوب این است که تا حد ممکن در حوزه اجتماعی کمتر دخالت کند تا این که رویدادها سیر طبیعی خود را پیش گیرند.

دومین ویژگی استراتژی بازرگان اجرای اصلاحات در دستگاه بوروکراسی دولت بود. بازرگان اعتقاد داشت این دستگاه کم‌ثمر است و باید اصلاح شود تا با نیازهای جامعه ایران متناسب گردد. انتقاد از بوروکراسی دولتی از این دیدگاه سرچشمه می‌گرفت که این دستگاه اساساً به عنوان ابزاری جهت اعمال کنترل سیاسی ساخته شده است. دستگاه دولتی نمی‌توانست به مردم و جامعه خدمت کند زیرا سازنده نبود و علت عدم سازندگی آن این بود که نه درست هدایت شده بود و نه مناسب اجرای سیاست‌ها بود.

اما بازرگان در هر دو هدف خود شکست خورد و دوران حکومت وی را می‌توان به حق شکست استراتژیک راه‌حل آزادیخواه (لیبرال) نامید. بازرگان و همکاران آزادیخواه وی ممکن است مشکلات ساختاری جامعه ایران را به خوبی درک کرده بودند اما آنها در اتخاذ یک استراتژی واقع‌گرایانه که از آنها در مقابل مشکلات سیاسی و نیازهای اجتماعی

دفاع کند به بیراهه رفتند. محدود کردن قدرت دولت، اصلاح بوروکراسی و تنظیم روابط اجتماعی ممکن است برای تاریخ طولانی استبداد سیاسی و حکومت خودکامه در ایران راه‌حل‌هایی می‌بودند اما این راه‌حل‌ها نتوانستند نیازهای فوری نهادهای سیاسی عقب‌افتاده ایران و یک جنبش مردمی را که وقف خشونت انقلابی شده بود برآورده سازند. حاضر شدن بازرگان برای همکاری با یک جنبش انقلابی به این امید که قدرت را به دست گیرد و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه را به اجرا درآورد می‌تواند چند توضیح داشته باشد. یا بازرگان در تحلیل واقعیت اوضاع سیاسی (از نظر امکانات و خطرات موجود) دچار اشتباه محاسبه شده بود و یا این که در تحلیل نهایی یک آزادیخواه (لیبرال) سیاسی به معنای جامع کلمه نبود. به اعتقاد ما توضیح اول صحیح‌تر است.

جمع‌بندی

بازرگان از بنیانگذاران عرف نوین تفسیر دین توسط غیرروحانیون در ایران است که مدعی حق تبیین ایمان مذهبی است. این عرف نوین که از ضرورت مشارکت اجتماعی - سیاسی مومنان دفاع می‌کند به ویژه با تاسیس جمهوری اسلامی در ایران، اهمیت روزافزون یافته است. در این چارچوب، بازرگان نیروی محرک ایدئولوژیک در نهضت آزادی ایران بوده که به نوبه خود دفاع اسلامی از حکومت قانون دموکراسی را مشروعیت بخشیده است. سهم بازرگان در امور سیاسی ایران به خاطر آثار مفصلی است که وی خلق کرده و در آنها بر موضوعات دین بر مبنای قوانین طبیعی، اخلاقیات نوین کار، آزادی انسان (به عنوان موجودی فردی و اجتماعی)، هویت مذهبی اجتماعی، اخلاقیات و ضرورت اصلاح دولت و محدود کردن دخالت آن در زندگی مردم تاکید کرده است. بازرگان این افکار را در درون اوضاع روشنفکری ایران که آمیزه‌ای از فرهنگ مذهبی عامه مردم، سنت‌گرایی، تجددطلبی، طرفداری از حکومت مطلقه بود ارائه کرده است. احتمالاً آنچه بازرگان را در مقام مقایسه از دیگران مشخص می‌کند، نوآوری‌هایی

است که در اندیشه دینی پدید آورد و برای مشروعیت بخشیدن به الگوی حکومت دمکراتیک و مبتنی بر قانون در صحنه سیاست ایران تلاش کرد.

فهرست آثار بازرگان

[نام مقاله، جزوه یا کتاب.

جزئیات چاپ اول. چاپ مورد استناد. قطع چاپ و تعداد صفحه]

سال ۱۳۲۱

مقاله مذهب در اروپا

نخست در نشریه دانش آموز ارگان کانون اسلامی شماره‌های ۹ تا ۱۳ به

چاپ رسید. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴).

قطع جیبی، ۴۴ صفحه.

مقاله فحش و تعارف

جزئیات انتشار آن در دست ما نیست.

سال ۱۳۲۲

مقاله مطهرات در اسلام

جزئیات انتشار در دست ما نیست.

سال ۱۳۲۳

مقاله پراگماتیسم در اسلام

در کتاب مذهب در اروپا آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی

انتشار، تهران، ۱۳۴۳). قطع جیبی، ۷ صفحه.

سال ۱۳۲۴

مقاله ضریب تبادل میان مادیات و معنویات

در جزوه‌ای با همین عنوان آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت

سهامی انتشار، تهران، ۱۳۲۴). قطع جیبی، ۱۳ صفحه.

مقاله بی‌نهایت کوچکها

در کتاب مذهب در اروپا آمده است. نخست در روزنامه کیهان منتشر شد. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴). قطع جیبی، ۵۷ صفحه.

کتاب ترمودینامیک صنعتی

دو جلد. جزییات انتشار در دست ما نیست.

سال ۱۳۲۵

کتاب کار در اسلام

چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۷). قطع آ-۵، ۹۵ صفحه.

سال ۱۳۲۶

کتاب راه طی شده

مقاله‌ای که نخست در سال ۱۳۲۵ تهیه و در دهه ۱۳۳۰ به آن اضافه شد. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۷). قطع آ-۵، ۲۵۰ صفحه.

سال ۱۳۲۷

مقاله سرچشمه استقلال

سخنرانی سال ۱۳۲۷ است. در کتاب سر عقب افتادگی ملل مسلمان آمده است. قطع آ-۵، ۵۱ صفحه.

سال ۱۳۲۹

مقاله دل و دماغ

نخست در مجله فروغ علم (۱۳۲۹) منتشر شد. در کتابی به همین نام آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴). قطع جیبی، ۲۴ صفحه.

مقاله آثار عظیم اجتماع

اول بار در سال ۱۳۲۹ در نشریه فروغ علم به چاپ رسید. در کتاب دل و دماغ آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۴). قطع جیبی، ۱۱ صفحه.

کتاب سر عقب افتادگی ملل مسلمان

نخست در سال ۱۳۲۸ در یک سخنرانی ارائه شد. ترجمه انگلیسی آن با عنوان

The causes of the decline and decadence of Islamic nations

در نشریه *Islamic Review* لندن در ژوئن ۱۹۵۱ به چاپ رسید. در دهه ۱۳۴۰ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. چاپ مورد استناد: (مرکز نشر کتاب، هوستون، ۱۳۵۵) قطع آ-۵، ۵۱ صفحه.

مقاله اسلام یا کمونیزم

این مقاله تحت عنوان از خداپرستی تا خودپرستی هم منتشر شده است. چاپ مورد استناد: (نشریه انجمن اسلامی دانشجویان، تاریخ و محل نشر ندارد) قطع آ-۵، ۶۳ صفحه.

سال ۱۳۳۱

مقاله بازی جوانان با سیاست

در جزوه‌ای با همین عنوان آمده است. چاپ مورد استناد: (آفتاب، تهران، ۱۳۳۱). قطع آ-۵، ۲۳ صفحه.

سال ۱۳۳۴

جنگ دیروز و فردا

نخست در ماهنامه مدرسه صنعتی مشهد به چاپ رسید. نمونه آن به دست ما نرسیده است.

سال ۱۳۳۶

کتاب عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان

چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تاریخ ندارد، تهران). قطع جیبی، ۲۲۲ صفحه.

مقاله احتیاج روز

نسخه مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۵). قطع جیبی، ۱۸ صفحه.

سال ۱۳۳۷

جزوه خداپرستی و افکار روز

نسخه مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۷۴ صفحه.
سال ۱۳۳۸

مقاله مسلمان اجتماعی و جهانی

سخنرانی ۱۳۲۸ که در ۱۳۴۴ به چاپ اول رسید. نسخه مورد استناد:
(شرکت پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۶۹ صفحه.

جزوه خدا در اجتماع

نخست در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش
کتاب، هوستون، ۱۳۵۸). قطع جیبی، ۹۸ صفحه.

جزوه خانه مردم

چاپ اول ۱۳۳۸. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون،
۱۳۵۷). قطع آ-۵، ۶۶ صفحه.

مقاله انسان و خدا

در کتاب چهار مقاله. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران،
تاریخ ندارد). قطع جیبی، ۵۴ صفحه.

کتاب آموزش تعلیمات دینی

جزئیات انتشار در دست ما نیست.

وحی

جزئیات انتشار در دست ما نیست.

مقاله علی و اسلام

نخست در ماهنامه مذهبی پیکار اندیشه در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسید.
چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، چاپ دوم، ۱۳۵۷). قطع

جیبی، ۱۳ صفحه.

پیروزی حتمی

جزئیات آن در دست ما نیست.

سال ۱۳۴۰

مقاله یادداشت‌هایی از سفر حج

چاپ مورد استناد: (مکتب تشیع، قم، ۱۳۴۰). قطع آ-۵، ۸ صفحه.

مقاله خودجوشی

نخست در سخنرانی انجمن اسلامی مهندسين در ۱۳۴۰ ارائه شد. در کتاب چهار مقاله (شرکت سهامی انتشار، تهران، تاریخ ندارد). قطع آ-۵، ۴۳ صفحه.

جزوه اسلام مکتب مبارز و مولد

در سال ۱۳۴۱ نوشته شد. (انتشارات الفتح، تهران، تاریخ ندارد). قطع آ-۵، ۵۷ صفحه.

کتاب درس دین داری

نخست در ۱۳۴۰ منتشر شد. (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۱۶۳ صفحه.

سال ۱۳۴۱

مقاله حکومت جهانی واحد

(مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۷). قطع آ-۵، ۴۲ صفحه.
اختیار

جزئیات آن در دست ما نیست.

مقاله مرز میان دین و امور اجتماعی

نخست در دومین کنگره انجمن های اسلامی خوانده شد. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۵). قطع آ-۵، ۳۴ صفحه.

مقاله اسلام جوان

در کتاب چهار مقاله آمده است. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، تاریخ ندارد). قطع آ-۵، ۵۷ صفحه.

مقاله مضایا و مضار دین

در کتاب نیکنیازی آمده است (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۵).
کتاب آزادی هند

(امید، تهران، ۱۳۵۶).

مقاله مبارزه مذهبی، مبارزه سیاسی

(نام نویسنده، نام ناشر و محل نشر ندارد، چاپ چهارم، ۱۳۶۰). قطع آ-۵، ۳۷ صفحه.

مقاله انتظار مردم از مراجع

در کتاب بعضی درباره مرجعیت و روحانیت آمده است. قطع آ-۵، ۲۶ صفحه.

کتاب مدافعات در دادگاه غیر صالح تجدیدنظر نظامی (نهضت آزادی ایران، خارج از کشور، چاپ سوم، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۳۸۸ صفحه.

جزوه دعا

در زندان نوشته شد. (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۵۹). قطع آ-۵، ۷۰ صفحه.

مقاله تبلیغ پیغمبر

در زندان نوشته شد. در جزوه دل و دماغ آمده است. قطع آ-۵، ۳۱ صفحه. کتاب جنگ شکر در کوبا به قلم ژان پل سارتر، در زندان ترجمه شد. جزئیات انتشار در دست ما نیست.

سال ۱۳۴۳

کتاب باد و باران در قرآن

در زندان نوشته شد. چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۵۳). قطع آ-۵، ۱۶۴ صفحه.

سال ۱۳۴۴

پدیده‌های جوی

در زندان نوشته شد. جزئیات انتشار در دست ما نیست.

کتاب ذره بی انتها

(مرکز پخش کتاب، هوستون، چاپ دوم، تاریخ ندارد). قطع آ-۵، ۱۶۶ صفحه.

کتاب‌های سیر تحول قرآن

نوشتن آن در زندان آغاز شد. در سال ۱۳۵۵ منتشر شد. جلد دوم در سال ۱۳۶۰ به چاپ رسید. جلد متمم در سال ۱۳۶۲ منتشر شد.

سال ۱۳۴۵

کتاب بعثت و ایدئولوژی

چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۵). نوشتن این کتاب در سال ۱۳۴۳ در زندان آغاز شد. پس از آزادی در سال ۱۳۴۶ در مورد آن یک سخنرانی کرد. تاریخ چاپ اول کتاب در دسترس نیست. قطع آ-۵، ۲۴۰ صفحه.

سال ۱۳۴۶

مقاله نیک‌نیازی

ظاهراً نخست به شکل یک سخنرانی در سال ۱۳۴۶ عنوان شد. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۵۵ صفحه. جزوه بعثت و تکامل

ظاهراً نخست به شکل یک سخنرانی در سال ۱۳۴۶ عنوان شد. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۶۲ صفحه. جزوه سازگاری ایرانی

چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار: تهران، ۱۳۴۶). قطع آ-۵، ۷۲ صفحه.

سال ۱۳۴۷

مسجد در اجتماع

جزئیات آن در دست ما نیست.

سال ۱۳۴۸

مقاله انگیزه و انگیزنده

این مقاله نخست به نمایندگی از طرف بازرگان توسط هاشم صباغیان در سال ۱۳۵۶ خوانده شد. تاریخ و محل نشر اول در دست نیست. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، امریکا، ۱۳۵۷). قطع آ-۵، ۵۹ صفحه.

سال ۱۳۵۲

جزوه دین و تمدن

این مطلب مقدمه‌ای بر کتاب نقش پیامبران در تمدن انسان به قلم فخرالدین حجازی بود که بعداً مستقلاً چاپ شد. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، امریکا، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۷۷ صفحه.

سال ۱۳۵۵

کتاب بررسی نظریه فروم

چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۵۵). قطع آ-۵، ۲۲۲ صفحه.

کتاب علمی بودن مارکسیسم

(جزئیات انتشار ندارد.) با مشارکت عزت‌الله سحابی نوشته شد. قطع آ-۵، ۲۴۸ صفحه.

سال ۱۳۵۶

جزوه آفات توحید

نخست در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، امریکا، ۱۳۵۷). قطع آ-۵، ۸۰ صفحه.

مقاله طبیعت، تکامل، توحید

چاپ مورد استناد: (مرکز پخش کتاب، هوستون، امریکا، ۱۳۵۶). قطع آ-۵، ۴۶ صفحه.

جامعه‌شناسی قرآن

جزئیات انتشار در دست ما نیست.

سال ۱۳۵۷

امام و زمان

جزئیات انتشار در دست ما نیست.

سال ۱۳۵۹

مقاله بعثت و دولت

چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۵۹) قطع آ-۵، ۴۴ صفحه.

مقاله خدمت و خیرات در جمهوری اسلامی ایران

در جزوه بعثت و دولت آمده است. قطع آ-۵، ۳۹ صفحه.

مقاله بعثت در اجتماع

در جزوه بعثت و دولت آمده است. قطع آ-۵، ۵۳ صفحه.

سال ۱۳۶۰

کتاب سیر تحول قرآن، جلد دوم

چاپ مورد استناد: (شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۰). قطع بزرگ.

کتاب بازیابی ارزشها، جلد ۱-۳

چاپ مورد استناد: (نهضت آزادی ایران، تهران، ۱۳۶۴). قطع آ-۵، ۲۰۵ صفحه.

سال ۱۳۶۱

کتاب مشکلات و مسائل اولین سال انقلاب

به ویرایش عبدالعلی بازرگان، چاپ مورد استناد: (نهضت آزادی ایران، تهران، ۱۳۶۲). قطع آ-۵، ۱۶۶ صفحه.

کتاب انقلاب ایران در دو حرکت

چاپ مورد استناد: (نهضت آزادی ایران، تهران، ۱۳۶۲). قطع آ-۵، ۲۵۶ صفحه.

بعثت و تزکیه

به چاپ نرسید.

جزوه شورای انقلاب و دولت موقت

(نهضت آزادی ایران، تهران، ۱۳۶۱). قطع آ-۵، ۷۹ صفحه.

سال ۱۳۶۲

کتاب سیر تحول قرآن، متمم جلد اول

کتاب گمراهان

چاپ مورد استناد: (نهضت آزادی ایران، تهران، ۱۳۶۲). قطع آ-۵، ۱۶۶ صفحه.

کتاب بازگشت به قرآن، جلد ۳

چاپ مورد استناد: (انتشارات قلم، تهران، ۱۳۶۲). قطع آ-۵، ۱۶۶ صفحه.

حکمت

به چاپ نرسید.

سال ۱۳۶۴

کتاب بازگشت به قرآن، جلد ۴

۳۵۰ زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان

چاپ مورد استناد: (انتشارات قلم، تهران، ۱۳۵۴). قطع آ-۵، ۳۸۱ صفحه.

سال ۱۳۶۷

جزوه پادشاهی خدا

چاپ مورد استناد: (اسم ناشر و محل نشر ندارد، ۱۳۶۷). قطع آ-۵، ۸۸ صفحه.

www.KetabFarsi.com

فهرست اعلام

- آثانوری، کمال ۳۳
- آثار عظیم اجتماع ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۳۴۲
- آدمیت، فریدون ۲۹
- آزادی هند ۱۶۰، ۱۸۴، ۳۴۵
- آفات توحید ۲۰۸
- آفریقای سیاه (مجله) ۲۴
- آل احمد، جلال ۶۵، ۲۰۹
- آموزش تعلیمات دینی ۱۸۳، ۳۴۴
- آموزگار، جمشید ۲۵۸
- طالقانی، آیت الله ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۹۱، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۶۷، ۲۵۰
- آیزنهاور، دوايت ۱۲۸
- ابراهامیان، اروند ۱۳۵
- ابراهیم ۱۹۳
- ابوبکر ۲۲۶
- اتللو ۱۱
- احتیاج روز (جزوه) ۱۳۱، ۳۴۳
- احمد شاه ۱۴، ۲۸۷
- اختیار ۱۸۳، ۳۴۵
- اخوی ۱۶۱
- ارانی، تقی ۸۱، ۳۳۳
- ازهری، ژنرال ۲۵۸
- اسدآبادی، سید جمال الدین ۹۰
- اسکندری، ایرج ۵۱
- اسلام جوان ۱۸۴
- اسلام شیعه ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳
- اسلام: مکتب مبارز و مولد ۱۸۳
- اسلام یا کمونیسیم ۶۲، ۶۴، ۳۴۳
- اصفهانى، حاج عبدالکریم ۱۴
- اصل انواع و انتخاب طبیعی ۱۳۶، ۱۳۸
- اصول مصلدق (نشریه) ۱۱۹
- اصول فلسفه و روش رئالیسم ۲۲۱
- افراسیابى، بهرام ۵۳
- اقبال، منوچهر ۱۰۰، ۱۴۸
- اکسیون فرانسز (روزنامه) ۲۷
- اکویناس، توماس ۲۱۸
- الفیری، کنت ویتوریو ۱۹۱
- المنابع الاشتراکيه ۲۴۵
- امام حسن (ع) ۲۴۲
- امام زمان (ع) ۲۴۲
- امام و زمان ۲۰۸، ۳۴۸
- امپریالیسم آخرین مرحله سرمایه‌داری ۹۲
- امینی، علی ۱۴۸، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۴
- انتظار مردم از مراجع ۱۸۴

- انصاری، شیخ مرتضی ۳۰۵
 انگیزه و انگیزنده ۲۰۷، ۳۴۷
 اومانیته (روزنامه) ۲۷
 ایران باستان ۳۴
 ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ (جزوه) ۱۷۶، ۱۵۴
 ایران در زمان ساسانیان ۳۴
 ایران قدیم ۳۴
 ایان هامپشایر - مانک ۲
 باد و باران در قرآن ۱۸۴
 بازرگان، عبدالعلی ۳۱۳
 بازگشت از شوروی ۸۳
 بازی جوانان با سیاست ۱، ۶۴، ۶۷
 ۱۰۷، ۳۴۳
 باهنر، آیت الله جواد ۲۴۹، ۲۹۲
 بحثی درباره مرجعیت و روحانیت ۱۸۴،
 ۲۲۲، ۳۲۳، ۳۴۶
 بختیاره شاپور ۱۱۱، ۲۵۸، ۲۶۴
 بدیع زادگان، علی عسگر ۱۳۵
 ریسپر ۲۹
 بررسی مسائل اسلامی (نشریه) ۶۴
 بررسی نظریه های اریک فروم ۸۴، ۲۰۷
 برژینسکی، زیبگنیوف ۲۹۶
 برگسون، هانری ۱۵
 بروجردی، آیت الله محمدحسین ۱۲۷،
 ۲۳۲، ۳۱۰
 بعثت و ایدئولوژی ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸،
 ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱
- ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۶
 ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۵۳
 ۲۵۴، ۲۵۶، ۳۱۳، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۸
 ۳۴۶
 بعثت و تکامل ۲۰۷، ۳۴۷
 بلاشر، رژی ۸۹
 بنی صدر، ابوالحسن ۲۴۹
 بودا ۱۳۲
 بهبهانی، محمد ۵۶
 بهشتی، آیت الله ۲۴۹، ۲۷۰، ۲۹۲
 بینهایت کوچک ها ۶۲
 بازارگادی، بهاء الدین ۱، ۲۱۲
 پدیده های جوی ۱۸۴
 پراگماتیسم در اسلام ۶۲
 پیرنیا، مشیرالدوله ۳۴
 پیروزی حتمی ۱۸۳، ۳۴۴
 پیشداد، امیر ۸۳
 تاریخ نظریات سیاسی ۲۱۱، ۲۱۲،
 ۲۱۵، ۲۱۸
 تبریزی، حاج عباس ۱۳، ۱۵، ۵۳
 تبلیغ پیغمبر ۱۸۴
 ترمودینامیک صنعتی ۶۲
 تروتسکی ۳۰۲
 ترومن، هری ۹۲
 تفسیر المیزان ۲۲۱
 تنبیه الامه و تنزیه الامه... ۱۹۱، ۳۳۰
 تورسون ۲۱۲
 توسلی، محمد ۳۱۰